



سید جواد حسینی

اشاره

می ستایند، به آنها عشق می ورزند و سعی می کنند خود را از نظر صفات و روحیات به آنها نزدیک سازند. اضافه بر این، اصل «همرنگ شدن با دیگران به خصوص افراد پر نفوذ و با شخصیت» یکی از اصول مسلم روانی است. مطابق این اصل، انسان کششی در وجود خود به سوی هماهنگی و هم‌رنگی با دیگران (به خصوص با قهرمانان و پاکان) احساس می کند و به همین علت، به سوی اعمال و صفات آنان جذب می شود.

هر انسانی در زندگی خود الگو و پیشوایی دارد و سعی می کند خود را به او نزدیک سازد تا پرتوی از صفات او را در درون جان خود ببیند. به تعبیر دیگر، در درون انسان، جایی برای اسوه‌ها و قهرمانها است و به همین دلیل تمام ملت‌های جهان، در تاریخ خود به قهرمانان واقعی و گاه پنداری دل بسته‌اند و بخشی از فرهنگ و تاریخ خود را بر اساس رفتارهای آنان بنا می کنند؛ در مجالس خود از آنها سخن گفته و آنان را

در مقابل، هر ملتی دشمن یا دشمنانی دارند که در مناسبت‌های مختلف و به شکلهای گوناگون از آنها اظهار نفرت و بیزاری می‌کنند و حتی فرزندان را بغض آنها، تشویق و ترغیب می‌کنند.

به همین دلیل، ما در اسلام دو اصل به نام «تولی» و «تبری» داریم؛ یا به تعبیر دیگر: «حُبُّ فی الله» و «بَغْضُ فی الله» که هر دو در واقع اشاره به یک حقیقت است. طبق این دو اصل مهم و اساسی ما موظفیم دوستان خدا، پیامبر ﷺ و امامان علیّه را دوست و دشمنان آنها را دشمن بسداریم و در این بخش، پیشوایان بزرگ دین، یعنی پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم علیّه را در همه چیز اسوه و الگوی خود قرار دهیم.

این دستور به قدری مهم است که در آیات قرآن به عنوان نشانه ایمان، و در روایات اسلامی به عنوان «محکم‌ترین دستگیره ایمان» معرفی شده و تا «تولی» و «تبری» نباشد، بقیه اعمال (عبادات و اطاعات، احسان و انصافات) بی حاصل و غیر مقبول

شمرده شده است.^۱ اینک به برخی آیات و روایات در این زمینه توجه نمایید.
الف. تولی در قرآن

۱. دوستی اهل بیت علیّه پاداش

رسالت

قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَلَّا الْمَوَدَّةَ فی الْقُرْبَى»^۲ «بگو از شما مزدی درخواست نمی‌کنم مگر دوستی خویشاوندان نزدیکم.» و فرمود: «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْسَرَى إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»^۳ «بگو: هر اجر و پاداشی از شما خواسته‌ام برای خود شماست؛ اجر من تنها بر خداوند است، و او بر همه چیز گواه است.»

فخر رازی می‌گوید:

«زمخشری در کشاف روایت

کرده «چون این آیه نازل گشت، گفتند: «مَنْ قَرَأْتِكَ هُوَ لِأَنَّ الدِّينَ وَجَبَتْ عَلَيْنَا

۱. پیام قرآن و مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیّه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، چاپ اول، ۱۳۷۷ ه. ش، ج ۱، ص ۳۶۵-۳۶۶ با تغییر و اضافات.

۲. شوری / ۲۳.

۳. سبأ / ۲۷.

جماعت شوند، نه جماعت‌های گمراه و منحرفی که باید رابطه را از آنها قطع نمود.

۳. دوستی با مهاجران راه خدا

﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُجِيبُونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾^۱؛ «و آنان که پیش از مهاجران، در این خانه (سرزمین مدینه) و در سرای ایمان [خانه روحی و معنوی مسلمانان] مسکن گزیدند، و مهاجرانی را که به سوی ایشان هجرت کنند دوست می‌دارند، و در دل خودشان از آنچه به آنان (مهاجران) داده شده است احساس نیاز نمی‌کنند و آنها را بر خویش مقدم می‌دارند هر چند خود نیازمندند.»

ب. تبری در قرآن

فردی به نام «حاطب بن ابی بلتعنه»

۱. التفسیر الکبیر، ج ۲۷، ص ۱۶۶؛ تفسیر

کشاف زمخشری، در کتاب العربی، ج ۴،

ص ۲۱۹-۲۲۰.

۲. توبه / ۷۱.

۳. حشر / ۹.

مَوَدَّةً لَهُمْ؟ قَالَ: عَلِيُّ وَ فَاطِمَةُ وَ ابْنَاهُمَا؛ [یا رسول الله] خویشاوندان تو که بر ما محبتشان واجب است کیانند؟ فرمود: علی و فاطمه و دو پسر آنان.^۱

۲. مؤمنان دوست همدیگرند

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَغْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾^۲؛ «مردان و زنان با ایمان ولی [دوست و یار و یاور] یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز را بر پا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند، بزودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد، خداوند توانا و حکیم است.»

این پیوند معنوی و روحانی که بر اساس امر به معروف و نهی از منکر، اقامه نماز، ادای زکات و اطاعت خدا و پیامبرش استوار است، سبب می‌شود که آنها نه تنها در اعمال و رفتار، بلکه در خلق و خوی خویش از یکدیگر الهام بگیرند و هر کدام همدیگر را دوست بدارند و اگر بنا به هم‌رنگی با جماعت است، باید هم‌رنگ این

پروردگارتان [از شهر و دیار] بیرون می‌کنند.

این نکته روشن است که هنگام تضاد بین «پیوندهای دوستی» با «پیوندهای اعتقادی ارزشی» باید پیوندهای ارزشی مقدم شمرده شود، در غیر این صورت پایه‌های اعتقاد و ارزشها متزلزل شده، تدریجاً انسان به سوی باطل و فساد گرایش پیدا می‌کند، و نکته اساسی در تبرّی از اعدای الهی نیز همین است.

قرآن می‌فرماید: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَائِهِمْ وَآبَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۱ «هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی‌یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند؛ هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند. آنان کسانی

توسط زنی به نام «ساره» نامه‌ای مخفیانه به اهل مکه نوشت که رسول خدا ﷺ قصد حمله به مکه را دارد، آماده دفاع باشید، در حالی که پیامبر ﷺ به هیچ وجه نمی‌خواست مکیان از حمله او اطلاع یابند. آن زن نامه را لای گیسوان خود پنهان نموده و به سرعت به سوی مکه حرکت کرد. جبرئیل ماجرا را به پیامبر ﷺ خبر داد؛ آن حضرت علی ﷺ را برای گرفتن نامه فرستاد، حضرت علی ﷺ نامه را از او گرفت و نزد پیامبر اکرم ﷺ آمد، آن حضرت «حاطب» را احضار نموده و او را سخت مورد سرزنش قرار داد و سرانجام آیه ذیل نازل شد «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ...»^۲ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خود را دوست خویش قرار ندهید، شما نسبت به آنها اظهار دوستی می‌کنید در حالی که آنها نسبت به حقی که به سوی شما آمده است کفر می‌ورزند، و رسول خدا و شما را به خاطر ایمان آوردن به

۱. ممتحنه / ۱: ۴۱؛ ک؛ پیام قرآن، ج ۱، ص ۳۶۸.

۲. مجادله / ۲۲.

و نه کسی را دوست دارند و با کسی دشمنی هم ندارند. این گونه افراد در جامعه، موجودی بی اثر و بی خاصیت هستند.

۲. مردمی که دیگران را دوست می‌دارند، با همه می‌جوشند و گرم می‌گیرند، و با هیچ کس دشمنی ندارند و از هیچ کسی اظهار بیزاری و تنفر نمی‌کنند. وقتی هم بمیرند مسلمان باز مزم آنها را می‌شوید و هندو بدن آنها را می‌سوزاند.

چنان با نیک و بد خوکن که بعد از مردن عرفی مسلمانان به زمزم شوید و هند و بسوزاند این گونه رفتار، برای انسان هدفدار و مسلکی [که فکر و ایده‌ای را در اجتماع تعقیب می‌کند و فقط به منفعت خود نمی‌اندیشد] میسر نیست و این روش زندگی کردن، روش متظاهران دروغگو است.

۳. مردمی که همه را دشمن دانسته و دفع می‌کنند و هیچ کس را دوست و الگو و مقدس نمی‌دانند. اینها نیز افرادی ناقص هستند و این دلیل بر این است که فاقد خصایل مثبت انسانی می‌باشند.

هستند که [خدا] ایمان را بر صفحه دل‌هایشان نوشته، و با روحی از ناحیه خودش آنها را تقویت فرموده، و آنها را در باغهایی [از بهشت] وارد می‌کند که نهرها از زیر [درختانش] جاری است، جاودانه در آن می‌مانند؛ خدا از آنها خشنود است و آنان [نیز] از خدا خشنودند، آنها «حزب الله» اند و «حزب الله» رستگارند.»

آیه فوق افزون بر بیان پاداشی بزرگ برای آنهايي که اهل تبرّی از دشمنان خدا هستند، این نکته را گوشزد می‌کند که هنگام قرار گرفتن بر سر دو راهی «حفظ پیوندهای الهی» و «حفظ پیوندهای خویشاوندی» کدام را باید مقدم داشت، و با صراحت می‌گوید: اگر نزدیک‌ترین خویشاوندان از راه خدا منحرف شوند و آلوده به کفر و فساد گردند، باید از آنها بریده و به خدا و ارزشهای والای الهی پیوست.

ج. تولی و تبرّی در روایات

افراد از لحاظ «تولی» و «تبرّی» به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱. افرادی که جاذبه و دافعه ندارند. نه کسی آنها را دوست می‌دارد

همه آنچه گفتید دارای فضیلتی است ولی پاسخ نیست، بلکه محکم‌ترین و مطمئن‌ترین دستگیره‌های ایمان، دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خدا و دوست داشتن دوستان خدا و بیزارى جستن از دشمنان خدا است.»

اصطلاح «تولی» و «تبرّی» به عنوان دو اصل معروف از همین حدیث گرفته شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نخست با این سؤال مهم، افکار مخاطبان را در این مسئله سرنوشت ساز، به جنب و جوش در آورد و این کاری است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گاهی قبل از القاء مسائل مهم انجام می‌داد. آن گاه جواب فرمود که مطمئن‌ترین دستگیره ایمان «حب فی الله و بغض فی الله» است. تعبیر به دستگیره» در اینجا گویا اشاره به این است که مردم برای وصول به مقام قرب الهی، باید به وسیله‌ای چنگ

۴. مردمی که «تولی» و «تبرّی» دارند. پاکان و خوبان را دوست می‌دارند و با ناپاکان و مفسدان دشمن بوده و از آنها بیزارى می‌جویند و هر دو را در کنار هم و درحد مطلوب دارا می‌باشند.^۱

مطلوب‌ترین انسان همین نوع چهارم است که در این باره روایات فراوانی داریم که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. محکم‌ترین دستگیره ایمان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روزی به یارانش فرمود: «أَيُّ عُرَى الْإِيمَانِ أَوْثَقُ؟ فَقَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَغْلَمَ وَقَالَ بَعْضُهُمُ الصَّلَاةُ وَقَالَ بَعْضُهُمُ الزَّكَاةُ وَقَالَ بَعْضُهُمُ الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ وَقَالَ بَعْضُهُمُ الْجِهَادُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِكُلِّ مَا قُلْتُمْ فَضْلٌ وَلَيْسَ بِهِ، وَلَكِنْ أَوْثَقُ عُرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبَغْضُ فِي اللَّهِ وَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَالتَّبَرُّي مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ»^۲ کدامیک از دستگیره‌های ایمان محکم‌تر و مطمئن‌تر است؟ یاران عرض کردند:

خدا و رسولش آگاه‌تر است. و بعضی گفتند: نماز و برخی گفتند: زکات، وعده‌ای گفتند: حج و عمره، و بعضی گفتند: جهاد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

۱. ر.ک: جاذبه و دافعه علی علیه السلام، علامه مرتضی مطهری، صدرا، قم، چاپ سی و نهم، ص ۲۱-۲۸، ۱۳۸۰، با تلخیص و تغییر و تصرف.

۲. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ج ۲، ص ۲۵، ح ۶

بزند و بالا بروند و آن وسیله، حُبّ فی الله و بغض فی الله است.

۲. معیار سنجش

امام صادق علیه السلام به جابر فرمود: «إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ فِيكَ خَيْرًا فَانظُرْ إِلَى قَلْبِكَ فَإِنْ كَانَ، يُحِبُّ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَيُبْغِضُ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَفِيكَ خَيْرٌ، وَاللَّهُ يُجِيبُكَ، وَإِنْ كَانَ يُبْغِضُ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَيُحِبُّ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ، فَلَيْسَ فِيكَ خَيْرٌ وَاللَّهُ يُبْغِضُكَ وَالْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ»^۱ هر گاه بخواهی بدانستی در تو خیر و نیکی وجود دارد یا نه، نگاهی به قلبت کن، اگر اهل اطاعت الهی را دوست و اهل معصیت خدا را دشمن می‌شمرد، در تو خوبی وجود دارد و خدا تو را دوست دارد و اگر اهل اطاعت الهی را دشمن و اهل معصیتش را دوست می‌داری، نیکی در تو نیست و خدا تو را دشمن می‌داری، و انسان با کسی است که او را دوست می‌داری.»
این معیار بسیار خوبی است که هر کس می‌تواند خود را امتحان کند که اگر نسبت به دوستان خدا محبت و نسبت به دشمنان او دشمنی دارد، بداند که در او خیری هست.

۳. برگزیده خدا بودن

امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل

نموده که آن حضرت فرمود: «وَدَّ الْمُؤْمِنِينَ لِلْمُؤْمِنِينَ فِي اللَّهِ مِنْ أَكْثَرِ شَعْبِ الْإِيمَانِ، أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ فِي اللَّهِ وَ أَبْغَضَ فِي اللَّهِ وَ أَعْطَى فِي اللَّهِ وَ مَنَعَ فِي اللَّهِ فَهُوَ مِنْ أَصْفِيَاءِ اللَّهِ»^۲ محبت مؤمن نسبت به مؤمن به خاطر خدا از بزرگ‌ترین شاخه‌های ایمان است، آگاه باشید کسی که به خاطر خدا دوست بدارد و به خاطر خدا دشمن بدارد، در راه خدا ببخشد و در راه خدا خودداری از بخشش کند، او از برگزیدگان خدا است.» این روایت به خوبی نشان می‌دهد که تولی و تبری در تمام زوایای زندگی انسان راه دارد و تمام ابعاد زندگانی فردی و اجتماعی انسان را تحت پوشش قرار می‌دهد.

۴. حقیقت ایمان

فضیل بن یسار می‌گوید: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحُبِّ وَ الْبُغْضِ أَمِنْ الْإِيمَانِ هُوَ؟ فَقَالَ: وَ هَلِ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ»^۳ از امام صادق علیه السلام پرسیدم از دوستی و دشمنی که آیا جزء ایمان است؟ فرمود: آیا ایمان

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۶.

۲. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دار الکتب

الاسلامیه، تهران، ج ۶۶، ص ۲۴۰، حدیث ۱۴.

۳. همان، ج ۶۷، ص ۲۴.

[چیزی] جز دوستی و دشمنی است؟»
 اساس ایمان، اعتقاد به خدای
 یگانه و رسالت انبیاء و امامت امامان
 است و این امور بدون محبت و
 دلبستن امکان‌پذیر نیست.

۵. بارزترین مصداق تولّی و تبرّی

بهترین مصداق و بارزترین نمونه
 برای دوستی و دشمنی در راه خدا،
 محبت نسبت به خاندان رسالت و
 دشمن داشتن دشمنان آنها است؛

الف. متقی هندی از علمای اهل
 سنت نقل نموده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
 فرمود: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحَبَّ
 إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَ أَهْلِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِيهِ وَ
 عِزَّتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ عِزَّتِيهِ، وَ ذُرِّيَّتِي أَحَبَّ
 إِلَيْهِ مِنْ ذُرِّيَّتِيهِ»^۱

کسی از شما ایمان نیاورد مگر آنکه
 من (پیامبر) پیش او از خودش محبوب‌تر
 باشم و خاندانم نزد او محبوب‌تر از
 خاندانش و عترت من نزد او محبوب‌تر از
 عترت او باشد و دودمان من نزد او
 محبوب‌تر از دودمانش باشد.

ب. شیخ صدوق از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
 نقل نموده که آن حضرت فرمود: «کسی که
 خداوند دوستی امامانی از خاندان مرا

روزی او کند، به خیر دنیا و آخرت دست
 یافته و شک نداشته باشد که اهل بهشت
 خواهد بود؛ زیرا دوستی خاندان من بیست
 فایده دارد، ده تا در دنیا و ده تا در آخرت.

اما در دنیا: [باعث] زهد، حرص در
 عمل [نیک]، ورع در دین، رغبت و عشق به
 عبادت، توبه پیش از مرگ، نشاط در شب
 زنده داری، نو میدی از مال مردم و مواظبت
 و نگهبانی از امر و نهی الهی، بغض دنیا، و
 سخاوت [در پرداخت مال دنیا می‌شود].

اما در آخرت: پرونده‌اش باز نشود،
 میزان عمل برای او بر پا نشود، نامه عملش
 به دست راستش داده شود، برائت نامه آتش
 دوزخ به او داده می‌شود، صورتش نورانی
 و سفید گردد، از جامه‌ها و زیورهای
 بهشتی بر او بپوشانند و شفاعت او را
 درباره صد نفر از خاندانش بپذیرند. خدای
 عزوجل با دیده رحمت به او بنگرد. تاجی
 از تاجهای بهشت بر سر او بگذارند و آنکه
 بی حساب داخل بهشت می‌گردد. پس
 خوشا به حال دوستان خاندانم.^۲

۱. کنز العمال، علی متقی هندی، بیروت،
 مؤسسة الرساله، ج ۱، ص ۴۲، حدیث ۹۳؛
 بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۱۲ و ج ۴۴، ص ۷۴.
 ۲. خصال شیخ صدوق، ج ۲، ص ۵۱۵.